

مبارزه طرفداران آزادی و حاکمیت قانون علیه طرفداران قانون گریزی و بیعت

تکرار تهوع آور بیعت با رهبری برای تحکیم پایه های ولایت فقیه



حسین منتظر حقیقی

روز 12 مردادماه 1388 مراسم تنفیذ دهمین ریاست جمهوری حکومت جمهوری اسلامی ایران در حسینیه امام خمینی برگزار شد. این مراسم با مورد مشابه آن در چهار سال قبل تفاوت هائی چه در متن و چه در حاشیه داشت که "طبعاً" بیانگر تفاوت های اساسی شرائط سیاسی - اجتماعی امروز ایران نسبت به چهار سال قبل است.

در مراسم روز 12 مرداد امسال شخصیت های روحانی صاحب نفوذ حکومتی که با بخش روحانیت سنتی و مراجع تقلید نیز روابط تنگاتنگ دارند، حضور نداشتند. آقایان هاشمی رفسنجانی، واعظ طبسی، استادی، جوادی آملی حسن روحانی، ناطق نوری و... از این قبیل هستند

بخش دیگر غائبین در نمایش به اصطلاح تنفیذ، افرادی نظیر سید محمد خاتمی، مهدی کروبی، مهندس میر حسین موسوی و نیز نمایندگان سازمانها و احزاب درون حکومتی مانند مجمع مدرسین حوزه علمیه قم، مجمع روحانیون مبارز، حزب مشارکت اسلامی، حزب کارگزاران سازندگی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که اکثراً "فرهیختگان و مدیران حاکمیت را نمایندگی میکنند، شامل میشوند

علت غائب بودن این حجم وسیع از بدنه روحانیت و حاکمیت در مراسم فوق براساس آنچه که دیگر یک راز ناگشوده نیست این است که آقای سید علی خامنه ای به دلایل خاص خودش به این تصمیم رسیده است که با همکاری یک عده «کوتوله های» سیاسی و افراد بی نام و نشان، راه «خلیفه گری» را در کشور و شاید هم بخیال خام خود در سایر کشور های اسلامی هموار نماید. حال آنکه اکثر غائبین جلسه به اصطلاح تنفیذ، اکنون بر این باورند که نه تنها دوران تاریخی «خلیفه گری» سپری شده، بلکه اصرار بر ادامه چنین روشی تمامیت نظام کنونی را در معرض فروپاشی قرار خواهد داد

این دو نگاه در حاکمیت جمهوری اسلامی باعث شده است که صاحبان هر یک از آنها راهها و ابزار خاص خود را انتخاب کرده، در راه خود بکوشند

اکثریت غائبین در نمایش تنفیذ با جمع بندی از تجربیات سی سال حکومت داری و تحلیل شرائط سیاسی بین المللی و پیشرفت های تکنولوژیک، بقای نظام مورد علاقه خویش را در شرائط کنونی، در پیگیری بخشی از مطالبات سرکوب شده مردم طی سی سال گذشته که حد اقل در قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است، دانسته اند. چنین جهت گیری به سرعت با اقبال اکثریت مردم روبرو شد و از آن سریعتر بدون هیچ میثاق نوشته شده ای در روند انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری، جنبشی بنام جنبش سبز را بوجود آورد که هم حاکمیت را غافلگیر کرد و هم جهانیان را به تحسین واداشت.

غائبین در این مراسم، این بار بسیار شفاف تر از گذشته بر حقوق شهروندی فرد فرد جامعه بدون تبعیض های مذهبی و قومی تکیه کردند. آزادگی را در بردگی و بیعت جستجو نکردند. پایه های مشروعیت حاکمان را زمینی ارزیابی کردند و باورشان در مورد انتخابی بودن تمام مسوولین مملکتی بطرق مختلف بگوش مردم رسید و عزمشان برای کنار نهادن موانع دسترسی مردم بحق شان از طرق قانونی کاملاً جزم بود. استقامت آنان در حوادث پس از انتخابات که با از دست دادن بسیاری از امکانات حکومتی و تحمل زندان و شکنجه همراه بود گواه این مدعا می باشد.

اما گردانندگان نمایش « تنفیذ رهبری » اصولاً به مؤلفه های فوق باور ندارند. از دید آنها « شهروند » وجود خارجی ندارد و بهمین لحاظ از دید آنان « حقوق شهروندی » جزء کالا های تقلبی بحساب می آید که در گستره زیر حاکمیت آنان نباید عرضه شود. آنها اصولاً به « حق تعیین سرنوشت بوسیله خود مردم » باور ندارند زیرا اصولاً « مردم » را بعنوان « شهروند و دارای صلاحیت و صاحب اراده و اختیار » به رسمیت نمی شناسند. آنها از زنان و مردان می خواهند که با اراده و تصمیم خود، عزیز ترین و شریفترین و نفیس ترین گوهر انسانی یعنی آزادی، اراده و اختیار را از خود سلب کرده و در بستری عاریتی و غیر طبیعی بنام « بیعت با رهبری »، خود را غلام حلقه بگوش فرمایشات و اراده و اختیار « آقا » بحساب بیاورند.

اینان به این امر مباهات می کنند که عقل و شعور و آزادگی را یک جا به کناری نهاده و برای حلقه بگوشی « آقا » با یکدیگر مسابقه میدهند. نتیجه منطقی این بینش به اینجا خواهد انجامید که پایه های مشروعیت این حکومت دیگر نمی تواند مردمی و زمینی باشد، پس حتماً « آسمانی » است.

آنجائی هم که میان این نگاه و اصول مصرح قانون اساسی جمهوری اسلامی تناقض پیش می آید، برای فرار از این تناقض ادعا می کنند که سران جمهوری اسلامی ایران از جمله آقای خمینی، در سالهای ابتدائی تأسیس این نظام بطور « مصلحتی » « حق حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش » را در لاپلای اصول قانون اساسی پذیرفته است. مصلحتی که بگمان حضرات متأثر از توازن قوای سیاسی آنروز ایران بوده است و نه اعتقاد آنان به چنین اصلی. به عبارت دیگر در نظام فکری حضرات، « دروغ گفتن » از ابزار رسیدن به قدرت است که از همان آغاز حکومت یکی از تاکتیک های پسندیده مسوولین این نظام مقدس !!! بوده است. با توجه به این مبانی، بازیگران « نمایش تنفیذ رهبری » « امر حکومت » را همچون ادعا های پادشاهان پهلوی و قاجار و پیش از آن « ودیعه ای الهی » میدانند که بوسیله نماینده او در روی زمین، تنفیذ میشود تا رئیس جمهور!! « مشروعیت » یابد.

معلوم است که با چنین مبانی، پیروان این دیدگاه حرکت کسانی را که می خواهند از هویت انسانی و ملی خود دفاع کنند به براندازی نرم تعبیر و تفسیر کنند. پیدا است از دید این گروه فکری، کسانی که خواهان اجرای تمام و کمال قانون اساسی هستند متهم به مخالفت با نظامی گردند که در آن « قانون » باید فقط به فقط بازتاب دهنده اراده و خواست رهبرشان باشد. معلوم است پیروان این

دیدگاه حرکت کسانی را که میگویند شورای نگهبان « امین » این ملت نبوده و در انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری علیه مردم و به نفع رهبری دست به تقلب بزرگ و خیانت بزرگ تر زده است، بر نتابند و مردم معترض به تقلب را به اغتشاش گری متهم کنند

واقعیت اما اینست که علیرغم اصرار های مکرر رهبری بر صحت انتخابات، ابعاد تقلب و خیانت در آراء مردم و سرکوب بعد از آن چنان روشن و عیان بوده است که موقعیت رهبری را بشدت متزلزل کرده است

صدور بیانیه های مختلف با عناوین گوناگون مانند « عده ای از نمایندگان مجلس خبرگان » (1) و یا « 205 تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی » (2) و یا « جامعه اسلامی مهندسين » (3) که با تکرار تهوع آور بیعت با رهبری صادر میشود معنای جز تلاش برای باز گرداندن آبرو و اقتدار رفته ندارد. این حضرات « ولایت محور »، قبل از صور چنین بیانیه هائی بکرات نشان داده اند که « ولایت محوری » مجوزی است برای حمایت از « قانون گریزی ». مجوزی است برای حمایت از « خیانت » به رأی به اصطلاح موکلین خود. مجوزی است برای تحکیم پایه های « استبداد دینی

مگر در قانون اساسی جمهوری اسلامی « وظیفه نمایندگان مجلس خبرگان » نظارت بر گفتار و کردار رهبری نیست؟ مگر حمایت بی چون چرا از به اصطلاح رئیس جمهوری که برخلاف تمام موازین حقوقی، چه در ایران و چه در سطح بین الملل، از طریق رسانه به اصطلاح ملی و یا در اجتماعات مختلف حیثیت افراد را لگدمال میکند و هر چه و بهر نوع که دلش میخواهد اتهام وارد میکند بدون آنکه هیچیک از آنها در دادگاه های کشور مطرح و یا به اثبات رسیده باشد، جانی برای صفت به اصطلاح « عدالت و تقوا » و « یا قانون مداری » برای رهبری باقی گذاشته است؟

عکس العمل این ولایتمداران مجلس خبرگان نسبت به این بی تقوانی، بی عدالتی، و قانون گریزی که در حمایت ولی فقیه از رئیس جمهور مورد علاقه اش صورت گرفته است چیست؟ آیا اینان میتوانند ادعا کنند که نماینده ملت در مجلسی هستند که باید بنمایندگی از سوی آنان بر گفتار و کردار رهبری نظارت کنند؟ آیا کسانی که به عنوان نماینده مردم در مجلس « ولایت محور » شورای اسلامی به جای دفاع از حقوق ملت، حقوق ملت را به سبک آغا محمد خان از ملت سلب میکنند، حق دارند که خود را نماینده ملت بنامند؟ این نمایندگان بچه مجوزی حق نظارت نمایندگان به عنوان چشم و گوش ملت بر نهاد رهبری، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت و مجلس خبرگان را از خود سلب کرده اند؟ آیا انگیزه این نمایندگان در خیانت به حقوق ملت جز تاسی به ولایتمداری، چیز دیگری بوده است؟

این حضرات از خود تصویری بجای میگذارند که گویی کودکانی هستند که فقط ریش و سبیل دارند و یا خیلی زودتر قدرت بارداری یافته اند. این ها نشان میدهند که زنان و مردان سالمندی هستند که همچنان حقیر و صغیر باقی مانده اند و شایستگی تکیه زدن به صندلی هائی را ندارند که اکنون به آنها تکیه زده اند.

تکرار تهوع آور بیعت با رهبری که ترجیح بند حلقه بگوشهای ولایتمدار شده است، تبعیبات دیگری را نیز به همراه دارد. این گفته ها آنقدر تکرار شده است که حتی « امر را بر خود آقای خامنه ای نیز مشتبه کرده است » تا جایی که از جانشینی امام غائب فراتر رفته، خود را بر مسند پیامبر اسلام، حضرت محمد (ص) می بیند و هر که را که ولایت او را باور نداشته باشد در جایگاه کفار. اگر در این بخش از گفتار (4) ایشان دقت شود متوجه خواهیم شد که واقعا « امر بر خود ایشان مشتبه » شده است «..ایمان و هوشیاری ملت را مانع موفقیت دشمن خواندند و با اشاره به وجود نمونه هائی از سوء استفاده از عقائد دینی مردم در تاریخ ایران تأکید کردند، با مسجد ضرار و تقلید

ظاهری از امام بزرگواری که از عمق دل و جان غرق قران بود نمی توان این مردم آگاه را فریب «...داد، چرا که دل این ملت ، به نور ایمان روشن است

این سخنان چه معنی ای میتواند داشته باشد؟ این سخنان به این معنی است که اگر کسانی ادعای مسلمانی کنند ولی ولایت ایشان را باور نداشته باشند ، ادعای مسلمانی آنان پذیرفته نیست . عبادات آنان به درگاه حضرت باریتعالی قبول نخواهد شد. محل عبادت و اجتماعات آنان در حکم « مسجد ضرار » است که باید بر سرشان خراب شود. اگر کسانی ولایت آقای خامنه ای را نپذیرند هر چند که از شاگردان آقای خمینی بوده و یا سالیان دراز در جمهوری اسلامی و در زمان حیات ایشان در امر حکومت داری مشارکت داشته و در خلوت و جلوت با ایشان نشست و برخاست داشته باشد ، نتوانسته و یا نمی توانند شناختی از آقای خمینی داشته باشند و بنابراین ادعای پیروی این اشخاص از راه آقای خمینی، از نظر آقای خامنه ای « تقلید ظاهری » است

دفاع از این سخنان فقط شایسته افرادی چون سید احمد خاتمی ، امام جمعه موقت تهران ، عضو هیأت رئیسه مجلس خبرگان و همچنین عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (5) می باشد که از تریبون نماز جمعه برای معترضین به ثقل بزرگ در انتخابات، حکم اعدام صادر میکند . البته امثال این عالم ! گرانقدر و با تقوا ! کسانی دیگری مانند آیت الله احمد جنتی و شیخ محمد یزدی هستند که از نام دین و اسلام و پیامبر و امامان مورد علاقه شیعه استفاده ابزاری میکنند تا چند صباحی بیشتر بر مسند قدرت خود باقی بمانند

با توجه به مطالبی که در بالا ذکر گردید روشن میشود که درگیری و مبارزه کنونی، مبارزه میان طرفداران آزادی ، چه آنهایی که آزادی را از آموزه های دینی خود استنباط میکنند و چه آنهایی که آزادی را از فطرت و واقعیات زندگی آموخته اند از یکسو و طرفداران بیعت با رهبری از سوی دیگر است که در واقع چیزی بجز وداع با آزادی و عقلانیت و رشد نیست

در یک سوی این مبارزه اکثریت مردم ایران قرار گرفته اند که در صحنه حاضرند و نشان داده اند که حتی با از دست دادن عزیزانشان ، زندانی و شکنجه شدن نخبه گانشان و تحت فشار قرار گرفتن رهبرانشان همچنان در احقاق حقوق پایمال شده خود مصمم هستند . در سوی دیگر این مبارزه ، آقای خامنه ای، احمدی نژاد ، جنتی و بخش هایی از سپاه و بسیج و لباس شخصی های معلوم الحال و معلوم المنشأ هستند که با وداع با آزادی و عقلانیت و رشد و با تکیه بر ارادل و اوباشی که برای پول و قدرت حاضر به هر کاری هستند، خون جوانان وطن را بر سنگفرش خیابانها جاری می سازند

نتیجه چنین مبارزه ای ، علیرغم مراسم به اصطلاح تنفیذ و تحلیف تاکنون به نفع جبهه مردم بوده است و حاکمان جمهوری اسلامی که قصد داشتند با مصادره آراء ملت در انتخابات 22 خردادماه 1388 موقعیت خود را برای سرکوب داخلی تقویت کرده و در سطح جهانی باج خواهی تازه ای را آغاز نمایند ، شکست های سخت سیاسی ، حیثیتی را متحمل شده اند. استقامت ، خویشتن داری ، عدم خشونت و قانون مداری که از مشخصات بارز مبارزات مردم در این مقطع زمانی است ، باعث گردیده که این جنبش نوپا از حمایت و استقبال مردمی در داخل و خارج کشور برخوردار گردد که آرزومند گسترش ، تعمیق آگاهی روز افزون آن میباشیم

حسین منتظر حقیقی
مرداد ماه 1388 17

پانویس:

- انتظار مجلس خبرگان رهبری از هاشمی رفسنجانی برای پشتیبانی از ولایت فقیه 1
خبرگزاری فارس: در پی جریان‌های اخیر، اکثریت نمایندگان مجلس خبرگان رهبری طی بیانیه‌ای خطاب به ملت شریف ایران، رهبری را فصل الخطاب دانسته و اعلام کردند: هر گونه انحراف از راه و مواضع رهبری انحراف از آرمان‌های انقلاب و خط اصیل امام خمینی(ره) است.

<http://www.farsnews.net/newstext.php?nn=8805010644>

- نامه 205 نماینده مجلس در حمایت از رهبری و ولایت فقیه 2
خبرگزاری فارس: 205 نماینده با امضای بیانیه‌ای ضمن اعلام اطاعت از مقام عظمای ولایت تأکید کردند تنها در سایه ولایت‌پذیری مسوولان، خدمت‌گذاری به مردم محقق، مشکلات حل و دسیسه‌های دشمنان خنثی می‌شود.

<http://www.farsnews.net/newstext.php?nn=8805040861>

- نامه جامعه اسلامی مهندسين به رئيس جمهور 3
بی‌شک در موج شبه‌افکنی‌های ایام رقابت‌های انتخاباتی، اگر نبود تدبیر رهبر معظم انقلاب برای شفاف‌سازی و ایجاد فضای رقابتی عادلانه و مساعی معظم‌له بر حق مسلم مردم که همانا دانستن همه حقایق است. قطعاً انتخابات چه به لحاظ پرشماری حضور مردم و چه به لحاظ نتیجه آن مسیر دیگری را طی می‌کرد. اما آنچه امروز شاهد آن هستیم همگان را بهت زده کرده است.

<http://saharnews.ir/view-5857.html>

مراسم تنفيذ حکم دهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران -4

در آستانه عید عظیم و پربرکت میلاد منجی عالم بشریت، حضرت ولی عصر، مهدی موعود ارواحنا لمقدمه الفداء، مراسم تنفيذ حکم ریاست‌جمهوری، صبح دوشنبه در فضایی سرشار از شکوه و معنویت برگزار شد و رهبر معظم انقلاب اسلامی با تجلیل از حضور چهل میلیونی ملت بزرگوار ایران در حماسه ماندگار 22 خرداد، با تنفيذ رای ملت، آقای احمدی‌نژاد را به ریاست جمهوری منصوب کردند.

<http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=contentShow&id=5722>

5- حامیان دولت: الله اکبر، پرچم سبز و نماز جمعه، 3 مصداق مسجد ضرار

پس از سخنان امروز رهبر انقلاب و به کار بردن عبارت "مسجد ضرار" در توصیف برخی اقدامات، احمد خاتمی، فاطمه آجرلو و حمید رسایی در گفتگو با خبرگزاری دولت، شعار الله اکبر، پرچم سبز و نماز جمعه را مصداق مسجد ضرار دانستند.

<http://www.ayandenews.com/fa/pages/?cid=10650>